

دین مانع زنان نیست

ما بی‌نیاز از تجربه دیگران نیستیم؛ باید مسیری را که دیگران طی کرده‌اند، بررسی کنیم و از نقایص کار آنها اجتناب و از محاسن آن بهره‌مند شویم...



ما بی‌نیاز از تجربه دیگران نیستیم؛ باید مسیری را که دیگران طی کرده‌اند، بررسی کنیم و از نقایص کار آنها اجتناب و از محاسن آن بهره‌مند شویم.

زمانی که حضرت رسول (ص) فرمودند: «#171؛ اطلب العلم ولو بالصین»؛ اینطور نبود که چینی‌ها در آن زمان مسلمان باشند ولی چون علوم روز پیشرفت کرده بودند، وظیفه مسلمانان بود که آن علوم را از آنها فراگیرند. در تجربه‌آموزی نیز چنین است. در مورد الگوهای توسعه گرچه باید تجربیات دیگران را مد نظر داشته باشیم ولی این الگو نباید منقطع از فرهنگ ما باشد. این ویژگی، نه فقط در مورد توسعه بلکه در مورد ورود فناوری و فن نیز صادق است.

وقتی پدیده‌ای مادی وارد کشور می‌شود، اگر زمینه فرهنگی رشد و توسعه آن در جامعه فراهم نباشد، قطعاً آن فناوری رشد و حیات نخواهد داشت؛ مانند درختی که آن را از زمین مساعد جدا کنند و در زمین نامساعد بکارند. این درخت ممکن است چند صباحی با آبی که درون دارد، دوام بیاورد ولی در نهایت خشک خواهد شد و باید آن را کند و به جای آن درخت دیگری نشاند؛ مانند وضعیت برخی کشورهای نفت‌خیز که هر روز فناوری جدیدی را وارد می‌کنند و به محض ابداع فناوری جدیدتر، آن را وارد می‌کنند. اینگونه کشورها نمی‌توانند فناوری را با جامعه خود تطابق دهند و بر حسب نیازهای جامعه خود هماهنگ کنند؛ به بیان دیگر، زمینه اجتماعی این عمل، در آنجا فراهم نیست. در خصوص الگوهای توسعه نیز، الگوهایی که 100 درصد آن غربی باشد، ناموفق است برای اینکه الگو باید با فرهنگ ما همخوانی داشته باشد، خصوصاً الگوی توسعه که فرهنگ در آن نقش مؤثری دارد و از پارامترهای اساسی است. از سوی دیگر، بسیاری از زنان جامعه ما، به الگوی توسعه‌ای که منجر به حذف ارزش‌هایشان شود، اصلاً عمل نخواهند کرد و این الگو محکوم به شکست خواهد بود، مگر آنکه الگو مناسب با جامعه ما تعریف شده و درونی شود؛ مثلاً اگر در الگویی از توسعه، بیان شود که زنان باید این سطح تحصیلات را داشته باشند ولی نحوه رسیدن به این تحصیلات مشخص نشده باشد (اینکه آیا با حجاب تحصیل کنند یا بدون حجاب) در اینجا می‌توان مطابق فرهنگ خود، نحوه تحصیل را برای زنان تعریف کرد.

در الگوی توسعه، وقتی مباحث کلان مطرح شده و وارد جزئیات نشده باشد، می‌توان جزئیات را مطابق فرهنگ خود تعریف کرد اما اگر در الگوی توسعه زنان، به‌طور نمونه مباحث فمینیستی مطرح شود که مغایر اصول و ارزش‌های زنان جامعه ماست، محکوم به شکست خواهد بود زیرا جامعه ما، جامعه‌ای دینی است و الگوهای سکولار در جامعه ما پا نمی‌گیرد و اگر هم پا بگیرد، اشتباه می‌کنند کسانی که فکر می‌کنند این الگو موفق خواهد بود. شاید در مقطعی از زمان به‌علت ناآگاهی مردم جنجال و هوجبگری به راه بیفتد اما در مجموع خلاف ارزش‌های مردم نمی‌توان حرکتی را پیش برد و به همین جهت، امروزه سعی دارند ارزش‌های مردمی را کمرنگ کنند تا بتوانند مقاصد خود را پیش برند.

در عین حال در امر توسعه بایستی گام به گام حرکت کرد. این مسئله شامل مردان و زنان می‌شود. به‌نظر می‌رسد توسعه فرهنگی پایه و مبنای سایر جنبه‌هاست. چنانچه توسعه فرهنگی حاصل شود، مابقی ابعاد، خودبه‌خود حاصل خواهد شد. از پارامترهای اساسی توسعه فرهنگی، میزان تحصیلات، مشارکت اجتماعی، علم‌گرایی، نبودن تفاوت میان زن و مرد در مکتوبات و دسترسی برابر به فرصت‌های آموزشی و... است.

بعد از انقلاب مهم‌ترین مانع فرهنگی توسعه زنان، سطح پایین تحصیلات آنها بود که تلاش شد این مانع برداشته شود. در تاریخ اسلام در جامعه پر از خفقان عربستان، زنان زبده و اهل علم و تقوا حضور مثمر ثمر داشتند. حضرت زهرا (س) کلاس درس داشتند. حضرت زینب (س) از دیگر زنان اهل علم بودند و حضرت نفیسه عروس امام صادق (ع) نیز 400 شاگرد مرد داشتند و تدریس می‌کردند. چرا امروز این عزیزان به‌طور جدی، الگوی علمی ما نیستند؟ با وجود تمام موانع، دین هرگز مانع حضور سازنده زن در جامعه کنونی نیست. در نهایت این زنان هستند که باید خود حضور فعال و سازنده‌شان را به اثبات برسانند.

در طول تاریخ، حق همواره گرفتنی بوده و در مورد زنان این مسئله بیشتر مصداق داشته است، لذا اگر زنان به این نتیجه برسند که توسعه‌یافتگی آنها به نفع فرزندان، نسل آتی، دین و جامعه خواهد بود، باید مهم‌ترین پارامتر توسعه فرهنگی، یعنی علم را به دست آورند. تا زمانی که زنان، به میزان کافی در عرصه‌های علمی پیشرفت نکنند، در هیچ زمینه دیگری نمی‌توانیم موفق شویم. ما باید به لحاظ علمی تقویت شویم؛ در آن صورت، حضور در عرصه‌های دیگر خودبه‌خود انجام می‌گیرد. البته اینطور نیست که زنان فقط در علوم دقیقه و تجربی مجهز و تقویت شوند بلکه در علوم دیگر مانند علوم دینی و اجتماعی هم باید به شناخت و آگاهی برسند تا وضعیت خود را دریابند و خود برای حضور سازنده‌شان مؤثر واقع شوند.

در جوامع غربی، هنگامی که رنسانس اتفاق افتاد و حاکمیت غلط کلیسا کنار گذاشته شد، فضای جدیدی جهت طرح مباحث علمی به وجود آمد. زیرا حکومت نادرست و نامعقول کلیسا که در برابر یافته‌های علمی مقاومت می‌کرد، امکان بحث و تبادل نظر را سلب کرده بود. یکی از متفکران غربی در این خصوص می‌گوید: «#171؛ شکست و عقب‌ماندگی کشورهای اسلامی و پیشرفت و توسعه جوامع غربی از یک نقطه حاصل شده و آن کنارگذاشتن دین است»؛.

جوامع غربی با کنارگذاشتن دین از صحنه، پیشرفت کردند و جوامع غیرغربی با کنارگذاشتن دین، عقب‌گرد کردند. علت این امر به تفاوت بنیادی میان ادیان بازمی‌گردد و این سخن که اگر جوامعی مانند ایران مذهب و سنت خود را کنار بگذارند، به توسعه دست خواهند یافت، قابل تعمیم نیست. به نظر می‌رسد که لازم است تحقیقات عمیق بین دین و اعتقادات ما، با مبانی توسعه انجام شود؛ اینکه پارامترهایی که برای توسعه و پیشرفت وجود دارد با مبانی فکری و دینی ما در تضاد هست یا خیر! اگر این مطالعات انجام شود، افراد درگیر جنجال‌های کنونی نخواهند شد. آیا مبنای افکار و اندیشه‌ها و اعتقادات ما با مبانی توسعه در تضاد است یا خیر؟ نکته دیگر آنکه آیا جوامعی که لائیک هستند، همه توسعه‌یافته هستند و جوامعی که عقب مانده‌اند، همه معتقد به سنت و مذهب هستند؟ آیا کشورهای پیشرفته و توسعه‌یافته، همه، سکولار یا لامذهب هستند؟

در دیدگاه‌های جامعه‌شناختی، سکولاریسم اینطور تعریف می‌شود که دین محدود به رابطه فرد با خداوند است و حیطه دین نمی‌تواند از این فراتر باشد. به عبارت دیگر، ابعاد فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه از حیطه نفوذ دین خارج می‌شود. در این تحقیق، تأثیر نوع تعلیم و تربیت دینی و سنتی حوزه با تعلیم و تربیت رسمی دانشگاه و تأثیر آن بر اعتقاد افراد به نوگرایی، بررسی شد و ابعاد نوگرایی شامل: نگرش به سمت غیردینی شدن یا سکولاریسم، گرایش به علم، گرایش به تمدن، گرایش به تساوی‌طلبی، گرایش به کل‌نگری و گرایش به سمت پیشرفت در نظر گرفته شد. نتایج به دست آمده از این تحقیق حاکی از همبستگی منفی گرایش غیردینی با سایر ابعاد بود؛ یعنی یک جامعه می‌تواند توسعه‌طلب و نوگرا باشد، بدون آنکه سکولار باشد و از سوی دیگر، هرچه افراد متدین‌تر بودند، نوگراتر نیز بودند، زیرا در دین ما بر همه ابعاد تأکید شده است. در دین ما عالم هر کس که باشد، ارزشمند است؛ نفس علم ارزش دارد و فراگیری آن بر زن و مرد واجب است.

در این تحقیق، طلاب از دانشجویان نوگراتر بودند و گرایش به علم در آنها قوی‌تر بود. درخصوص تساوی‌طلبی نیز در دین ما، ارزش انسان‌ها به مکتوبات است. فضیلت انسان‌ها به تقواست. اینها با زحمت حاصل می‌شود. اسلام و به‌ویژه مذهب تشیع با توسعه به مفهوم مثبت آن مخالف نیست و درخصوص توسعه زنان نیز اگر تعاریف و معرف‌ها برحسب جامعه ما مشخص شوند، خواهیم دید که اسلام مخالف توسعه مثبت و سازنده زنان نیست. در مجموع، می‌توان گفت کسانی که چنین داعیه‌ای در سر دارند، بهتر است از خود بپرسند، آیا همه ادیان مانع توسعه هستند یا ادیان تحریف‌شده چنین‌اند؟

در سنت اسلامی، حضور سالم زن برای رشد و تعالی و توسعه دینی مؤثر بوده است؛ چنانکه در طول تاریخ اسلام، حضور سالم و مؤثر زنان را مشاهده می‌کنیم. همواره در کنار یک مرد، تأثیر نافذ یک زن مشخص است. در انقلاب اسلامی هم زنان پایه‌پای مردان و گاه جلوتر از آنها حضور یافتند.

قبل از وقوع انقلاب، حضرت امام(ره) که نیاز جامعه را به حضور فعال زنان احساس کردند (یعنی همان دیدگاه نخست) فتوایی صادر کردند که زن‌ها برای حضور در تظاهرات و خروج از منزل نیازمند اجازه همسر نیستند. این حکم، یکی از موانع را جهت حضور صحیح از میان برداشت. بسیاری از مردان که خود در صحنه سیاسی انقلاب بودند، به دلیل ترس از دستگیری و کشتار، نمی‌خواستند که همسر آنها در صحنه انقلاب باشد؛ در نتیجه، خود فعال بودند اما به همسرشان اجازه شرکت نمی‌دادند. این فتوای امام، مانع دینی را از سر راه مشارکت سیاسی زنان برداشت. بعد از این فتوا، مردان به دلیل فتوای ولی امر نمی‌توانستند مانع حضور زنان شوند، زیرا ولی امر قادر است این حکم را صادر کند.

او بر همسران و فرزندان مسلمین حاکمیت ولایی دارد که ادامه ولایت الهی است. با برداشته شدن این مانع نه تنها زنان حضور یافتند بلکه مردها نیز تشویق به حضور شدند. حضرت امام(ره) پس از پیروزی انقلاب فرمودند: «#171؛ انقلاب را مدیون زنان هستیم که نه تنها خود وارد صحنه شدند، مردان را هم برانگیختند تا مشارکت کنند»؛. دلیل این حضور، احساس نیاز جامعه به حضور زنان بود و حضرت امام(ره) به این ترتیب بر حضور سیاسی زنان، انگشت تأیید گذاشتند.

همشهری آنلاین- دکتر فاطمه شمس نجف‌آبادی